

نمایش «زیبا» روایت احوالات درونی انسان است؛ از نقشی که در این نمایش ایفا می‌کنید توضیح دهید.

در نمایش «زیبا» نقش یک مرد ۴۵ ساله را بازی می‌کنم که از زندگی زناشویی خسته شده و پس از ۱۵ سال به روستای خودشان بازمی‌گردد. در آن روستا دوست قدیمی‌اش را می‌بیند که با یکدیگر خاطرات فراوانی در گذشته داشتند. مخاطب، کنجکاو رابطه این دو رفیق می‌شود و در پی کنکاش آن است. قصه پی روابط آدم‌ها و پنهان کاری می‌گذرد؛ که چرا انسان‌ها احساسات و عواطف خودشان را پنهان می‌کنند و همین پنهان کاری، باعث سسست شدن روابط عاطفی خانواده‌ها می‌شود.

نقشی که در «زیبا» ایفا می‌کنید از لحاظ سن و موقعیت اجتماعی از شخص واقعی خودتان بسیار دور است؛ چطور با این کارا کتر ارتباط برقرار می‌کنید؟

نمایش «زیبا» به صورت مینیمال است و ما از لحاظ لباس و گریم نمی‌توانستیم روی خودمان مانور دهیم و بیشتر پردازش‌ها مانند بیان، بدن، حالت صورت و... درونی بود. سعی کردم کارا کتری را که فرزند ۱۴ ساله دارد و از زندگی زناشویی‌اش خسته شده را درک کنم و رجوع کنم به درون آن کارا کتر که بتوانم به نقش نزدیک شوم، در نتیجه بازی‌ها درونی بوده است. برای کارهای مینیمال باید از لحاظ درونی کار کرد. موضوع جالب این که در سریال «از سر نوشت» به کارگردانی محمد رضا خردمندان قرار است ایفای نقش کنم که نقش جوان ۲۴ ساله را دارم. تفاوت این نقش‌ها در این بازه زمانی برای خودم نیز جالب بود که دو نقش کاملاً متفاوت را از هر لحاظی در یک زمان بازی می‌کنم.

از نظر شما که بازیگر نمایش «زیبا» هستید، فکر می‌کنید این نمایش چقدر توانسته در زمینه القای پیامش به مخاطب، موفق عمل کند؟

در تمرینات هم دغدغه این را داشتیم که مخاطب قرار است متوجه چه پیامی شود. در جامعه‌ای که امروزه در آن زیست می‌کنیم و روابطی که داریم انگار حجابی میان ما آدم‌ها و زندگی وجود دارد و اجازه نمی‌دهد که حرف‌مان را بزنیم. این موضوع در جامعه مالموس است و حداقل کاری که ما در نمایش «زیبا» انجام می‌دهیم این است که به مخاطب می‌گوییم پنهان کاری و بیان نکردن عواطف و احساسات، باعث ایجاد سوء تفاهم و از هم دور شدن آدم‌ها می‌شود. با توجه به مدت زمانی که تمرین کردیم و برای این نمایش تلاش کردیم تا حرف‌مان را به ساده‌ترین شکل ممکن به مخاطب بزنیم در نتیجه فکر می‌کنم تاکنون موفق بوده‌ایم.

باتوجه به این که نمایش «زیبا» اقتباس شده از یک نمایشنامه غیر ایرانی است؛ چقدر سعی کردید تا آن را برای مخاطب ایرانی به نمایش در بیاورید و از چه عناصری استفاده کردید تا تماشاگر فهم درستی از موضوع و نمایش پیدا کند؟

نمایشنامه «زیبا» اثر یون فوسه است؛ ما در حدود ۹۰ درصد سعی کردیم شکل نمایشنامه اصلی را حفظ کنیم اما در بخش‌هایی که با دراماتورژی صورت گرفت آن را برای مخاطب ایرانی قابل فهم کردیم تا به فرهنگ خودمان نیز نزدیک تر باشد. به هر حال نمایشنامه «زیبا» به موضوعی می‌پردازد که در همه جا مطرح است و فقط مخصوص سرزمین خاصی نیست.

طراحی صحنه و طراحی لباس و گریم، چقدر توانست به شما در روایت کردن خط اصلی قصه کمک کند؟

خانم جوادی طراح صحنه و لباس نمایش بودند و طراحی نور را آقای خضایی انجام دادند که بسیار در فضاسازی و ماو القای حس پنهان کاری به مخاطب کمک کرد. طراحی صحنه نمایش به گونه‌ای است که انگار کارا کترها در خانه‌ای نیمه‌کاره هستند. زمانی که مخاطب تصمیم می‌گیرد تا نمایشی را ببیند قرار بر این نیست که فقط بازی خوبی را مشاهده کند بلکه طراحی لباس، طراحی صحنه و گریم کمک می‌کند تا تماشاگر اتفاقاتی که روی صحنه در حال رخ دادن

است را زودتر و بهتر متوجه شود. با این که طراحی گریم ما مینیمال بود اما کمک کرد تا به نقش‌هایمان نزدیک شویم.

یکی از نکات قابل توجه نمایش «زیبا»، همکاری جهانگیر الماسی به‌عنوان مشاور پروژه این نمایش است؛ ایشان چقدر همراه این نمایش و راهنمای پروژه و شما بودند؟

متأسفانه ما بازیگران به صورت حضوری نتوانستیم با ایشان همراه باشیم و مشاوره‌های ایشان در رابطه با کارگردان بوده است در نتیجه خیلی در جریان این موضوع نیستیم.

شاید از مسائل مهم که در زمینه تئاتر مطرح است، مسئله تبلیغات باشد که برخلاف سینما، نمی‌تواند تیزرهای گسترده و تبلیغات شهری زیادی داشته باشد و تنها راه ارتباطی، تبلیغات از طریق فضای مجازی است. آن‌طور که دیده می‌شود نمایش «زیبا» در فضای مجازی تبلیغ می‌شود. از نظر شما تبلیغات چقدر می‌تواند به دیده شدن نمایش کمک کند؟

تبلیغات صد درصد مهم است. من نزدیک به ۱۲ سال است که در تئاتر فعالیت می‌کنم و اگر تبلیغاتی در فضای مجازی صورت می‌گیرد از طرف خانواده تئاتر است که در این سال‌ها همدیگر را شناخته‌ایم، در نتیجه هر اندازه که در جهان تئاتر همراه و دوست داشته باشی، کاری که انجام می‌دهی نیز به همان صورت تبلیغ می‌شود.

در این چند شبی که نمایش اجرا شده، بازخوردها چطور بوده است؟

اولین کاری که در تئاتر انجام دادم سال ۸۸ با عنوان نمایش «اوها و ویرگول‌ها» به کارگردانی صابر ابر بود. در آن زمان نزدیک به یک سال به صورت کارگامی کار کردیم تا نمایش مان یک ماه به اجرا رود؛ یعنی از همان موقع هم سختی وجود داشت و نگاه ما فقط به تماشاگر بوده که چه باز خوردی بعد از یک سال تمرین خواهیم داشت. باز خوردهای خوبی دریافت کردیم و این موضوع در سالیان بعد هم برای من در نمایش‌هایی که ایفای نقش می‌کردم، اتفاق می‌افتاد. می‌توان گفت پیدایش سالن‌های خصوصی در این سال‌ها هم خوب است و هم بد! با وجود سالن‌های خصوصی خیلی از گروه‌ها می‌توانند نمایش خود را در آن اجرا کنند و توانایی‌های خودشان را نشان دهند که این نکته مثبت آن است اما مشکلی که به وجود می‌آورد کیفیت کار است؛ یعنی هر کسی می‌تواند مبلغی را پرداخت کند حتی اگر اثر فاقد کیفیت باشد در این سالن‌های خصوصی آن را اجرا ببرد. مخاطب عام که آن نمایش را می‌بیند، از تئاتر به دلیل عدم کیفیت اثر فاصله می‌گیرد و دیگر به تماشای نمایش‌های خوب نمی‌رود. این مشکلات باعث شده تا دریافت ما از بازخورد تماشاگر سخت شود.

در صحبت‌هایتان به سریال «از سر نوشت» اشاره داشتید؛ درباره نقشی که در این سریال دارید توضیحی بدهید.

سریال «از سر نوشت» سه فصل دارد که من در فصل سوم به سریال اضافه می‌شوم. «از سر نوشت» قصه چهار کودک پرورشگاهی است که مخاطب بزرگ شدن و قصه زندگی هر کدام آن‌ها را در طی این سه فصل می‌بیند. فصل دوم، نوجوانی آن‌ها را روایت می‌کند. کارا کتری که بازی می‌کنم به اسم «رضا» است که مشکلاتی در طی داستان برایش به وجود می‌آید و مخاطب را درگیر می‌کند.

سخن آخر؟

از خشایار خلیل خانی، کارگردان نمایش متشکرم که بسیار برای این نمایش زحمت کشید، تحت فشار بود، تمام این فشارها را به جان خرید تا نمایش اجرا شود. از کیومرث مرادی مشاور هنری نمایش «زیبا» هم ممنونم که بسیار زحمت کشید، هوای عوامل را داشت و نکات خیلی ریزی در زمان‌هایی که ما تحت فشار بودیم گوش‌زد می‌کرد. از تمام بازیگران کار و عوامل هم تشکر می‌کنم.



پنهان کاری و

بیان نکرده

عواطف و

احساسات

باعث ایجاد

سوء تفاهم

و از هم دور

شدن آدم‌ها

می‌شود

حرف‌مان را به ساده‌ترین شکل ممکن زدیم



مسعود انتظاری؛ از بازی در نمایش «زیبا» به «صبا» می‌گوید

حجاب میان آدم‌ها و زندگی!

دلارام صادقی
گفت و گو

نمایش «زیبا» به کارگردانی خشایار خلیل خانی اقتباسی از نمایشنامه «زیبا» اثر یون فوسه است. محمد حامد این نمایشنامه را ترجمه کرده و لیلا حکمت‌نیا دراماتورژی آن را برعهده داشته است. بازیگران این نمایش عبارتند از: پانته‌آ قدیریان، آریا تحویلدار، مسعود انتظاری، محمدرضا هاشمی، هلن نقی‌لو و آرمیتا فروزنده. در خلاصه این نمایش آمده است: خانواده‌ای برای گذراندن تعطیلات تابستان به دهکده کودکی پدر می‌روند و در آن‌جا با افراد دهکده مواجه می‌شوند. مادر خانواده متوجه اسراری از گذشته می‌شود... این نمایش از سوم مهرماه در سالن استاد انتظامی به اجرا می‌رود. مسعود انتظاری فارق التحصیل رشته بازیگری از موسسه کارنامه در سال ۸۷ یکی از بازیگران نمایش «زیبا» است. او سابقه حضور در تئاتر «داستان یک پلکان» به کارگردانی رضا گوران سال ۸۸ و تئاتر «یک صبح ناگهان» به کارگردانی حسین پاکدل سال ۹۳ را دارد. به بهانه اجرای نمایش «زیبا» با مسعود انتظاری یکی از بازیگران این اثر مصاحبه‌ای انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.